

دگرديسی دانشگاه از امید به نامیدی

محمود صادقي

بیش از دو دهه پس از حوادث کوي دانشگاه و سالگرد اعتراضات دانشجویی 18 تیر، در آستانه ورود به دورانی تازه به لحاظ سیاسی باید بپذیریم که امروز فضای حاکم بر دانشگاه‌ها و کنشگری دانشجویی فضای چندان بانشاط و پرشوري نیست و از آنجا که به طور کلی فضای سیاسی دانشگاه خواه‌ناخواه از فضای عمومی جامعه تاثیر می‌پذیرد و طبیعتاً عواملی که بر فضای جامعه اثرگذار است و در شرایط کنونی به نوعی یأس و ناامیدی منتج شده، چنین شرایطی به درون دانشگاه‌ها و فضای حاکم بر کنشگری دانشجویی تسری داده است. از طرفی با توجه به تعطیلی دانشگاه‌ها ناشی از ادامه همه‌گیری کرونا، امکان فعالیت تشکیلاتی از بین رفته یا دست‌کم ضعیف‌تر شده اما فارغ از این مولفه اثرگذار، واقعیت آن است که آن یأس و دلزدگی که در فضای عمومی جامعه حالت فراگیر شده در دانشگاه‌ها نیز دیده می‌شود. همچنین در حالی که اصولاً طی این سال‌ها بخشی از کنشگری سیاسی - مدنی دانشجویان از طریق فضای مجازی دنبال می‌شد، امروز شاهدیم چندان تحرکی در این فضا نیز دیده نمی‌شود یا به تعبیر دقیق‌تر آنچه بعضاً از جانب دانشجویان در فضای مجازی رقم می‌خورد، بخشی متاثر از آن احساس و فضای یأس و دلزدگی عمومی است و فارغ از آن نیز به دلیل عدم حضور کف دانشگاه و جدا افتادن دانشجویان از یکدیگر، نوعی واگرایی در فضای دانشجویان احساس می‌شود. نکته حائز اهمیت در این شرایط طبیعتاً واکنش حاکمیت است که بسیار به نوع روش و کنش دولت آینده وابسته است. با این همه اگر بخواهیم بنا به مولفه‌ها و شرایط کنونی درباره آینده صحبت کنیم باید بپذیریم که پیش‌بینی عمومی ناظر بر سردتر شدن فضای دانشگاه‌ها و کنشگری دانشجویی است؛ چرا که احتمالاً فضا بسته‌تر از گذشته مدیریت شود و سیاست‌ها و اهدافی دنبال شود که در همین راستاست.

هر چند نباید مرتکب قضاوت زودهنگام شویم و باید منتظر سیر تحولات پیش رو بمانیم تا مشخص شود که چه کسی به عنوان وزیر علوم معرفی می‌شوند و متعاقباً چه کسانی اداره دانشگاه‌ها را به دست خواهند گرفت اما آنچه نقداً قابل بیان است، ناظر بر نگاهی بسته به

دانشگاه است و در نتیجه بر کنش دانشجویان اثر منفی خواهد داشت یا دستکم چگونگی و نحوه کنشگری دانشجویی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و به این ترتیب این احتمال را نباید از نظر دور داشت که کنش دانشجویی از شکل و شمایل آشکار و علنی معمول به نوعی کنش پنهانی‌تر میل پیدا کند. همچنین علاوه بر میل عمومی به مهاجرت که علی‌الظاهر بنا بر مستندات موجود شاهد تشدید این گرایش در دانشگاه‌ها بودیم، نوعی سیاست‌گریزی نیز در دانشگاه‌ها رقم خورده و احتمالاً در آینده با توجه به تغییر شرایط، این گرایش به نحوی تشدید یا تعمیق شود. طبیعتاً وقتی دانشجویان همدیگر را نمی‌بینند، وقتی دانشجویان نه با یکدیگر و نه با استادان و مسوولان دانشگاه ارتباط تنگاتنگ و رودررو نداشته و دورادور و به صورت مجازی در ارتباطند، نه تنها کنش سیاسی- مدنی دانشجویان تضعیف می‌شود، بلکه حتی فعالیت علمی دانشجویان نیز تا حدودی دچار خسران می‌شود. ما هم‌اکنون شاهدیم که کیفیت فعالیت علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها به طور محسوس کاهش یافته و طبیعتاً در این شرایط، کنشگری سیاسی- مدنی دانشجویی به طریق اولی تحت تاثیر خواهد بود. در مجموع اما باید بر این نکته تاکید شود که ما هم‌اکنون شاهد نوعی دگردیسی در کنشگری دانشجویی هستیم. به بیان دیگر گونه‌ای دیگر و البته شدیدتری از آن نوع دگردیسی که در سطح جامعه به چشم می‌خورد، بر فضای دانشگاه نیز سایه افکنده است. بر این اساس با توجه به اینکه توصیف و تبیین دقیق این دگردیسی در فضای دانشگاه به فرصت و مجال دیگر نیازمند است، اجمالاً به نظر می‌رسد این گرایش به نوعی بی‌تفاوتی نسبت به تحولات سیاسی و رویدادهای اجتماعی به نحوی از آثار و تبعات این دگردیسی است. همچنین حاکم شدن نوعی واگرایی در فضای دانشگاه، ظهور و تشدید برخی گرایشهای سیاسی - فکری و ایدئولوژیک نیز نشانه‌ای دیگر از این دگردیسی است. ضمن آنکه به نظر می‌رسد طی این سالها نگرشی در فضای دانشگاه بروز و ظهوری بیشتر پیدا کرده که معتقد است گرایش اصلاح‌طلبانه در عرصه عمل توفیق چندانی حاصل نکرده و این در حالی است که طبیعتاً ناامید شدن از روشهای اصلاح‌طلبانه، زمینه را برای جهات دیگر از جمله گرایشهای برانداز فراهم می‌کند. به این ترتیب وقتی فضا برای کنش اصلاح‌طلبانه که خواهان اعمال اصلاحات با حفظ ساختار موجود است، محدود و محدودتر شود و نوعی یأس و دلزدگی از آن به وجود آید، طبیعتاً فضا برای گرایشهای دیگر از جمله روشهای براندازانه فراهم می‌شود.